

بررسی میزان لیشمانیاکشی گونه‌های آرتمیزیای بومی استان خراسان رضوی

در شرایط برون تنی

دکتر احمد امامی^۱، دکتر محمود محمودی^۲، شهرزاد زمانی تقی‌زاده رابع^۳، علی آهی^۴

۱- استادیار گروه فارماکولوژی، دانشکده داروسازی دانشگاه علوم پزشکی مشهد

۲- دانشیار گروه ایمونولوژی، مرکز تحقیقات ایمونولوژی، پژوهشکده بوعلی، دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد تلفن: ۷۱۱۲۶۱۱-۰۵۱۱

(مؤلف مسؤول) mahmoudi@mums.ac.ir

۳- کارشناس ارشد ایمونولوژی، مرکز تحقیقات ایمونولوژی، پژوهشکده بوعلی، دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد

۴- کارشناس گروه فارماکولوژی، دانشکده داروسازی دانشگاه علوم پزشکی مشهد

چکیده

زمینه و هدف: لیشمانیا ماژور مسئول ایجاد لیشمانیوز جلدی است که تعداد زیادی از مردم دنیا به آن مبتلا بوده یا در خطر ابتلا قرار دارند. داروهای مورد استفاده برای درمان لیشمانیوز عوارض جانبی نامطلوبی داشته یا مؤثر نیستند. با توجه به شیوع روز افزون لیشمانیوز جلدی، تولید داروی لیشمانیا کش جدید و مؤثر بسیار ضروری است. گونه‌های مختلف گیاه آرتمیزيا (*Artemisia spp.*) فعالیت لیشمانیا کشی دارند ولی گزارشی در باره گونه‌های بومی استان خراسان وجود ندارد. هدف از تحقیق حاضر بررسی تأثیر لیشمانیا کشی عصاره‌های مختلف ۱۱ گونه بومی گیاه آرتمیزيا می‌باشد.

روش بررسی: یازده گونه گیاه آرتمیزیای بومی استان خراسان جمع‌آوری شده و عصاره‌های اتانولی، اتیل استاتی، دی کلرومتانی و هگزانی آنها تهیه شد. پروماستیگوت‌های لیشمانیا ماژور در محیط کشت RPMI در کشت *in vitro* کشت داده شدند. تأثیر عصاره‌های مذکور بر بقای پروماستیگوت‌ها توسط تست MTT ارزیابی و بصورت ۵۰٪ غلظت مهاری (IC_{50}) محاسبه گردید.

یافته‌ها: غلظت‌های مختلف تمامی عصاره‌ها تکثیر پروماستیگوت‌ها را بطور وابسته به دوز مهار کردند. عصاره‌های اتانولی قویترین و عصاره‌های هگزانی ضعیف‌ترین تأثیر لیشمانیاکشی (بجز *A. fragrans*) را داشتند. عصاره‌های اتانولی (IC_{50} :0.025) *A. kulbadica*، (IC_{50} :0.025) *A. ciniformis* و (IC_{50} :0.080) *A. santolina* قویترین تأثیر لیشمانیاکشی را در مقایسه با سایر گونه‌ها نشان دادند. تأثیر عصاره‌های اتیل استاتی تمام گونه‌ها بجز *A. turanica* و *A. fragrans* قویتر از عصاره دی کلرومتانی آنها بود.

نتیجه‌گیری: بر اساس نتایج حاصله، آرتمیزیاهای بومی کشور می‌توانند گیاهان مناسبی برای بررسی خاصیت لیشمانیا کشی در *in vivo* باشند. بدین منظور، جداسازی و تعیین ساختار ترکیبات مؤثر آنها در آینده امری ضروری بنظر می‌رسد.

کلید واژه‌ها: آرتمیزيا (*Artemisia spp.*)، فعالیت لیشمانیا کشی، لیشمانیا ماژور، پروماستیگوت

وصول مقاله: ۸۶/۱۲/۷ اصلاحیه نهایی: ۸۷/۵/۱۴ پذیرش مقاله: ۸۷/۵/۱۹

مقدمه

گیاه آرتمیزيا یکی از بزرگترین و وسیع‌الطیف‌ترین جنس‌های *Astraceae* (Order) در دنیا محسوب می‌شود. این جنس بیش از ۴۰۰ گونه دارد که عمدتاً آنها در مناطق معتدل، از جمله اروپا، آسیا و آمریکای شمالی وجود دارند (۵-۱). در ایران ۳۰ گونه گیاه آرتمیزيا وجود دارد که دو گونه آن منحصراً در ایران دیده می‌شود (۷-۵). ترکیبات شیمیایی مختلفی در

(۱۷). یک استراتژی برای کشف داروهای جدید، تحقیق بر روی اثرات لیشمانیا کشی محصولات طبیعی گیاهی است. بسیاری از مردمی که در مناطق اندمیک لیشمانیوز زندگی می کنند تا حد زیادی به طب سنتی وابسته هستند. ما در جریان جستجو برای یافتن داروهای ضد انگلی جدید و مؤثر از منابع طبیعی، دریافتیم که گونه های آرتمیزیاز که از استان خراسان جمع آوری شده اند در *in vitro* فعالیت ضد میکربی دارند. در گزارشات قبلی فعالیت لیشمانیا کشی *Artemisia herba alba* و عصاره اتانولی برگهای *A. indica* نشان داده شده بود ولی گزارشی در باره فعالیت لیشمانیا کشی گونه های دیگر آرتمیزیاز، بویژه آرتمیزیاهای بومی استان خراسان وجود نداشت (۱۸، ۱۹). این تحقیق به منظور کسب شواهد علمی جهت استفاده از گونه های آرتمیزیاز و نیز تعیین غلظت مهاری IC_{50} این ترکیبات و تأثیر لیشمانیاکشی عصاره های اتانولی، اتیل استاتی، دی کلرومتانی و هگزانی ۱۱ گونه از آرتمیزیاهای بومی استان خراسان بر پروماستیگوتهای لیشمانیا ماژور در *in vitro* صورت گرفت (۲۰، ۲۱).

روش بررسی نمونه های گیاهی

یازده گونه آرتمیزیاز زیر از استان خراسان جمع آوری شد و مورد بررسی قرار گرفت:

A. Absinthium, *A. annua*, *A. biennis*, *A. ciniformis*, *A. fragrans*, *A. khorassanica*, *A. kopedaghensis*, *A. kulbadica*, *A. santolina*, *A. siberi*, *A. turanica*

عصاره گیری

نمونه های گیاهی در سایه خشک شده و سپس پودر شدند. عصاره های اتانولی، اتیل استاتی، دی

بعضی از این گونه ها وجود دارد که از آن جمله می توان مونوترپنها، سسکوئیترپنها، سسکوئیترپن لاکتونها، فلاوونوئیدها، کومارینها، استرولها و پلی استاتها را نام برد (۳، ۸). گونه های مختلف آرتمیزیاز اثرات بیولوژیکی بسیار متنوعی دارند که می توان اثرات ضد مالاریایی (۸)، سایتوتوکسیک (۹)، ضد باکتریایی، ضد قارچی (۸) و آنتی اکسیدانی را نام برد (۱۰). لیشمانیوز جلدی توسط گونه های مختلف از جمله لیشمانیا ماژور^۱ ایجاد می شود. این بیماری توسط پشه خاکی (*Phlebotomus spp.*) منتقل می شود. بر طبق گزارشات سازمان بهداشت جهانی (WHO)، ۱۲ میلیون نفر در دنیا آلوده به انگل لیشمانیا هستند و ۳۵۰ میلیون نفر در مناطق پرخطر ابتلا به آن زندگی می کنند (۱۱، ۱۲). بروز سالیانه موارد جدید حدود ۲ میلیون نفر می باشد که از میان آنها ۱/۵ میلیون نفر به لیشمانوز جلدی (CL) مبتلا می باشند. لیشمانیوز جلدی که توسط زیرگونه های مختلف لیشمانیا ایجاد می شود، یک زخم پوستی است که در اغلب موارد بطور خودبخود بهبود می یابد ولی دوران بهبود طولانی دارد. ترکیبات آنتی مونیال پنج ظرفیتی، اولین داروهایی هستند که برای درمان لیشمانیوز استفاده می شوند ولی عوارض جانبی نامطلوبی داشته، در بعضی موارد سمی بوده و یا اصلاً مؤثر نیستند (۱۳، ۱۴). به علاوه، استفاده از آنها در درمان بیمارانی که بطور همزمان به ایدز و لیشمانیوز مبتلا هستند چندان مؤثر نیست (۱۵). استفاده از داروهای دیگر از جمله آمفوتریسین B نیز تنها به بیمارستانها محدود می شود. بعلاوه، مقاومت انگل به این داروها مشاهده شده است (۱۶). با توجه به شیوع رو به افزایش لیشمانیوز جلدی در شهر مشهد، تولید یک داروی لیشمانیا کش جدید و مؤثر بسیار ضروری بنظر می رسد

2. %50 Inhibition Concentration

1. Leishmani major

کلرومتانی و هگزانی هر یک از ۱۱ گونه آرتیمیای مورد بررسی (n=3) اضافه شد. پلیت به مدت ۲۴ ساعت در انکوباتور °C ۲۷ و فشار CO₂ ۵٪ قرار داده شد. بعد از انکوباسیون، ۱۰ میکرولیتر از محلول MTT (با غلظت ۱۰ میلی گرم در میلی لیتر) به هر چاهک اضافه شد و پلیت به مدت ۴ ساعت انکوبه شد. سپس واکنش آنزیمی با افزودن ۱۰۰ میکرولیتر محلول ۵۰٪ ایزوپروپانول-۱۰٪ سدیم دی دسیل سولفات متوقف شد. پلیت به مدت ۳۰ دقیقه در دمای اتاق قرار داده شد. دانسیته نوری (OD) رنگ حاصله در طول موج ۵۷۰ نانومتر با استفاده از دستگاه میکروپلیت ریدر قرائت شد. تمام آزمایشات حداقل ۲ یا ۳ بار تکرار شدند. جذب نوری عصاره های آرتیمیا به تنهایی نیز به عنوان کنترل بررسی شد ولی هیچ جذب قابل توجهی در طول موج ۵۷۰ نانومتر مشاهده نشد. IC₅₀ (غلظتی است که سبب کشته شدن نیمی از پروماستیگوتهای لیثمانیا شود) عصاره های مورد بررسی از روی نمودار غلظت تعیین شد.

یافته ها

غلظت های مختلف تمامی عصاره ها تکثیر پروماستیگوتهای را بطور وابسته به دوز مهار کردند (جدول ۱ و نمودار ۱). عصاره های اتانولی قویترین و عصاره های هگزانی ضعیف ترین تأثیر لیثمانیاکشی (بجز A.fragrans) را داشتند. عصاره های اتانولی A.kulbadica (IC₅₀:0.025) و A.ciniformis (IC₅₀:0.080) قویترین تأثیر لیثمانیاکشی را در مقایسه با سایر گونه ها نشان دادند. تأثیر عصاره های اتیل استاتی تمام گونه ها بجز

کلرومتانی و هگزانی ۱۰۰ گرم از هر یک از نمونه های پودر شده با استفاده از حلال های اتانول، اتیل استات، دی کلرومتان و هگزان در دمای اتاق توسط روش ماسراسیون تهیه شد. عصاره های تهیه شده در دمای ۵۰ درجه سانتی گراد و تحت شرایط خلاء خشک شدند.

کشت پروماستیگوتهای لیثمانیا ماژور

پروماستیگوتهای لیثمانیا ماژور (سویه MRHO/IR/75/ER) از خانم دکتر سازگارنیا (پژوهشکده بوعلی، بخش فیزیک پزشکی) دریافت شد. پروماستیگوتهای در محیط کشت RPMI 1640 حاوی 10% FBS غیر فعال شده، ۲ میلی مولار ال-گلوتامین و پنی سیلین-استرپتومایسین در انکوباتور °C ۲۷ و فشار CO₂ ۵٪ کشت داده شدند.

سنجش فعالیت لیثمانیا کشی

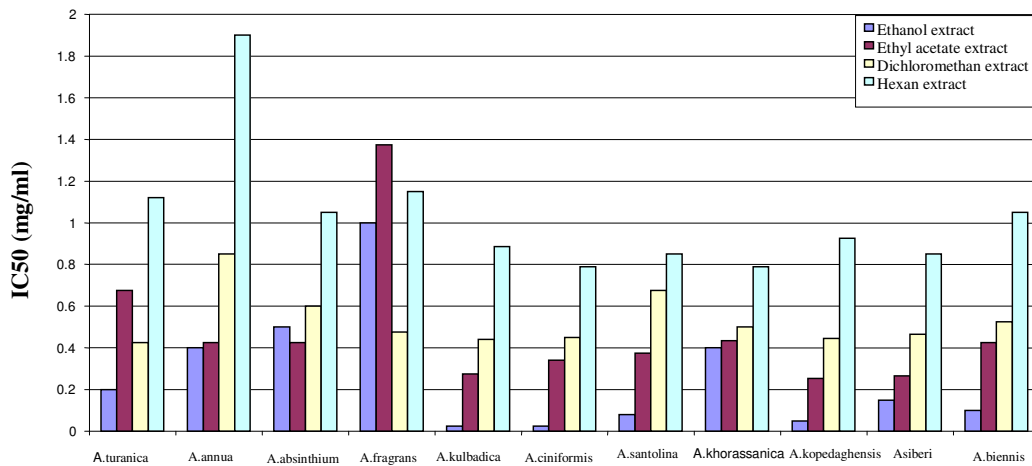
به منظور تعیین ۵۰٪ غلظت مهاری^۱ (IC₅₀) عصاره های بررسی شده از روش MTT^۲ استفاده شد (۱۰،۱۱). اساس این روش شکستن نمک تترازولیوم توسط آنزیم سوکسینات دهیدروژناز میتوکندریایی است. نتیجه این فعالیت ایجاد بلورهای فورمازان ارغوانی رنگ می باشد که توسط دی متیل سولفوکساید به صورت محلول در می آیند. هر چه تعداد انگلها بیشتر باشد میزان رنگ ایجاد شده بیشتر است. بطور خلاصه، پروماستیگوتهای لیثمانیا ماژور زمانی که در انتهای مرحله رشد لگاریتمی بودند از فلاسک جدا شده و در پلیت ۹۶ خانه ای (۴×۱۰^۵ عدد در ۵۰ میکرولیتر محیط کشت در هر چاهک) ریخته شدند. سپس ۵۰ میکرولیتر از غلظتهای مختلف (۲۰ تا ۲۰۰۰ میکروگرم در میلی لیتر) عصاره های اتانولی، اتیل استاتی، دی

۱. غلظتی که سبب کشته شدن نیمی از پروماستیگوتهای لیثمانیا می شود.
 ۲. (4,5-dimethylthiazol-2-yl)-2,5-diphenyltetrazolium bromide

A. fragrans و A. turanica قویتر از عصاره دی کلرومتانی آنها بود.

جدول ۱: فعالیت لیثمانیا کشی (IC₅₀ بر حسب میلی گرم بر میلی لیتر) عصاره‌های یازده گونه آرتمیسیا بعد از ۲۴ ساعت انکوباسیون. نتایج حاصل از ۲-۳ بار تکرار آزمایش

عصاره اتانولی	عصاره اتیل استاتی	عصاره دی کلرومتانی	عصاره هگزانی	گونه آرتمیسیا
IC ₅₀	IC ₅₀	IC ₅₀	IC ₅₀	
۰/۲	۰/۶۷۵	۰/۴۲۵	۱/۱۲۰	A. turanica
۰/۴	۰/۴۲۵	۰/۸۵۰	۱/۹۰۰	A. annua
۰/۵	۰/۴۲۵	۰/۶۰۰	۱/۰۵۰	A. absinthium
۱	۱/۳۷۵	۰/۴۷۵	۱/۱۵۰	A. fragrans
۰/۰۲۵	۰/۲۷۵	۰/۴۴۰	۰/۸۸۵	A. kulbadica
۰/۰۲۵	۰/۳۴۰	۰/۴۵۰	۰/۷۹۰	A. ciniformis
۰/۰۸۰	۰/۳۷۵	۰/۶۷۵	۰/۸۵۰	A. santolina
۰/۴	۰/۴۳۵	۰/۵۰۰	۰/۷۹۰	A. khorassanica
۰/۰۵	۰/۲۵۵	۰/۴۴۵	۰/۹۲۵	A. kopedaghensis
۰/۱۵	۰/۲۶۵	۰/۴۶۵	۰/۸۵۰	A. siberi
۰/۱	۰/۴۲۵	۰/۵۲۵	۱/۰۵۰	A. biennis



Artemisia spp.

نمودار ۱: فعالیت لیثمانیا کشی (IC₅₀ بر حسب میلی گرم بر میلی لیتر). عصاره های اتانولی، اتیل استاتی، دی کلرومتانی و هگزانی ۱۱ گونه آرتمیسیا بر پروماستیکوتهای لیثمانیا ماژور.

بحث

اگرچه تمام گونه‌های بررسی شده بعد از ۲۴ ساعت انکوباسیون فعالیت لیشمانیا کشی داشتند ولی عصاره‌های اتانولی اغلب آنها قویترین و عصاره‌های هگزانی ضعیفترین تأثیر لیشمانیا کشی (بجز *A. fragrans*) را نشان دادند. عصاره‌های اتانولی *A. kulbadica* (IC_{50} : ۰/۰۲۵ میلی گرم در میلی لیتر)، *A. ciniformis* (IC_{50} : ۰/۰۲۵ میلی گرم در میلی لیتر) و *A. santolina* (IC_{50} : ۰/۰۸۵ میلی گرم در میلی لیتر) قویترین تأثیر لیشمانیا کشی را در مقایسه با سایر گونه‌ها داشتند. تأثیر لیشمانیا کشی این عصاره‌ها قویتر از تأثیر عصاره آبی *A. indica* بود که قبلاً گزارش شده بود. ولی فعالیت لیشمانیا کشی عصاره آبی و روغنی *Artemisia herba alba* همچنان قوی‌تر از عصاره‌های آرتمیزیاهای مورد بررسی بود.

تأثیر عصاره‌های اتیل استاتی تمام گونه‌ها بجز *A. turanica* و *A. fragrans* قویتر از عصاره دی کلرومتانی آنها بود. بنابراین، با توجه به غربالگری شیمیایی ترکیبات موجود در این گیاهان، می‌توان خاصیت لیشمانیا کشی آنها را به یکی از گروه ترکیبات ذکر شده نسبت داد. با توجه به نتایج بدست آمده باید عصاره اتانولی گونه‌های بررسی شده را فراکشنه کرده، تأثیر هر یک را بطور جداگانه بررسی کرده و در نهایت ترکیب/ترکیبات اصلی را از فراکشن/فراکشن‌های مؤثر جدا کرد.

بر طبق نتایج حاصل از این تحقیق، هر چهار نوع عصاره ۱۱ گونه آرتمیزیای بررسی شده بطور وابسته به دوز، سبب کشتن پروماستیگوت‌های لیشمانیا ماژور شدند ولی عصاره‌های اتانولی بیشترین فعالیت لیشمانیا کشی را نشان دادند. بسیاری از عصاره‌های آرتمیزیاهای کشور دارای فعالیت ضد لیشمانیایی قوی هستند که بسیار قویتر از بعضی گونه‌های آرتمیزیای گزارش شده دنیا

مردم عموماً از مواد گیاهی برای درمان لیشمانیوز جلدی استفاده کرده و آنها را مؤثر می‌دانند بدون اینکه از نحوه عملکرد آنها آگاهی علمی داشته باشند. از آنجایی که لیشمانیوز جلدی یک معضل بهداشتی مهم محسوب می‌شود و درمانهای شیمیایی مورد استفاده عمدتاً غیر مؤثر و دردناک هستند، بسیاری از مردم از گیاهان دارویی که در عطاری‌ها فروخته می‌شوند برای بهبود زخم‌های خود استفاده می‌کنند. در گزارشات قبلی فعالیت لیشمانیا کشی عصاره آبی و روغنی *Artemisia herba alba* (IC_{50} : ۲ و ۴ میکروگرم در میلی لیتر، به ترتیب) علیه لیشمانیا ماژور گزارش شده بود. همچنین فعالیت لیشمانیا کشی عصاره آبی *A. indica* (IC_{50} : ۰/۴۳ میلی گرم در میلی لیتر) نشان داده شده بود (۹). همچنین مشخص شده بود که گونه‌های آرتمیزیای بومی ایران خاصیت ضد میکربی دارند (۱۲). در این تحقیق ۵۰٪ غلظت مهاری (IC_{50}) عصاره‌های مورد بررسی با استفاده از تست MTT از روی نمودار غلظت تعیین شد و بدین وسیله تأثیر مهاری عصاره‌های اتانولی، اتیل استاتی، دی کلرومتانی و هگزانی ۱۱ گونه آرتمیزیای بومی (*Astraceae*) بر رشد پروماستیگوت‌های لیشمانیا ماژور در *in vitro* بررسی شد. چهار نوع عصاره گونه‌های بررسی شده فعالیت لیشمانیا کشی داشتند (جدول ۱). قویترین عصاره‌های هرگونه شامل *A. turanica* عصاره اتانولی، *A. annua* عصاره اتانولی، *A. absinthium* عصاره اتیل استاتی، *A. fragrans* عصاره دی کلرومتانی، *A. kulbadica* عصاره اتانولی، *A. ciniformis* عصاره اتانولی، *A. santolina* عصاره اتانولی، *A. khorassanica* عصاره اتانولی، *A. kopedaghensis* عصاره اتانولی، *A. siberi* عصاره اتانولی، *A. biennis* عصاره اتانولی بود.

می‌باشند. بنابراین امید است بتوان تا با بررسی تأثیر بدن موجود زنده، بتوان داروی مناسبی جهت درمان و یا آرتمی‌زهایبی که تأثیر لیشمانیا کشی قویتری دارند در بهبود ضایعات حاصل از لیشمانیا در بیماران یافت.

References

1. Heywood VH, Humphries CJ, Anthemideae systematic review. In: VH Heywood, JB Harborn and BL Turner Ceds. The Biology and chemistry of the compositae, Academic Press: London. 1997. p. 868.
2. Tutin TG, Persson K, and Gutermann W. (1976), Flora Europae Vol. 4 (Tutin T. G., Heywood V. H., Burges N. A., Moore D. M., Valentine D. H., Walters S.M., and weeb D. A., eds.). Cambridge University Press, UK, PP. 178-186.
3. Mucciaralli M and Maffel M. Introduction of the genus. In: CW Wright (eds.), Artemisia. Taylor and Francis: London. 1976. p. 1-50.
4. Polyakov p, Artemisia. In: BK Shishkin (eds.), Flora of the USSR (English translation) Bisnen Singh Scientific Books. Koeringstein: Germany. 1997. p. 488-489.
5. Podlech D, KH Reching. Flora Iranica Akademische Druck-u. Verlagsansalt: Graz. 1976. p. 158-223.
6. Ghahreman A, Attar F. Biodiversity of plant species in Iran. Tehran University Publication: Tehran. 1999. p. 41-42.
7. Emami SA, et Aghazari F, Les Phanerogames endemiques de la flore d Iran L Institute de Researches des forets et des paturag, Tehran, 2001.
8. Tan RV, Zh eng WF, Tang HQ. Biologically active substances from genus. Artemisia Planta Medica 1998; 64: 295-302.
9. Zheng GQ. 1994 Cytotoxic terpenoides and flavonoides from Artemisia annua. Plant Medica 1994; 60: 54-57.
10. Cakir A, Kilic H, Kodali S, Mavi A, Yildirim A. Screening of chemical composition and antifungal and antioxidant activities of the essential oils from three Turkish Artemisia species. J Agric Food Chem 2005; 53: 1408-1416.
11. Herwaldt BL. Leishmaniasis. Lancet 1999; 354: 1191-1199.
12. Ashford RW, Desjeux P, De Roadt P. Estimation of population at risk of infection & number of cases of leishmaniasis. Parasitol Today 1992; 8: 104-105.
13. Modabber F. Leishmaniasis, in tropical disease research progress 1991-1992. (UNDP/World Bank/WHO special programme for research and training in tropical disease), World Health Organization, Geneva, 1993 p. 77-87.
14. UNDP/WB/WHO, The leishmaniasis. In: Tropical disease: Progress in International Research, 1987-1988, WHO special programme for research and training in tropical disease, ninth programme report, World Health Organization, Geneva.
15. Peters BS, Fish D, Golden R, Evans DA, Bryceson ADM, Pinching AJ. Visceral leishmaniasis in HIV infection and AIDS: clinical feature and response to therapy. Q J Med 1999; 77: 1101-1111.
16. Savorinin BS, Elias R, Lanza AMD, Balansard G, Gasquet M, Delmas F, Planta Medica 1991; 57: 260-262.
17. McGregor A, WHO warns of epidemic leishmania. Lancet 1998; 351: 575.
18. Hatimi S, Boudouma M, Bichichi M, Chaib N, Idrissi NG. In vitro evaluation of antileishmania activity of Artemisia herba alba Asso. Bull Soc Pathol Exot 2001; 94: 29-31.
19. Ganguly S, Bandyopadhyay S, Bera A, Chatterjee M. Antipromastigote activity of an ethanol extract of leaves of Artemisia Indica. Indian Journal of Pharmacology 2006; 38: 64-65.
20. Sereno D, Lemerse JL, Axenically cultured amastigote forms as an in vitro model for investigation of antileishmanial agents. Antimicrobial Agents and Chemotherapy 1997; 41: 972-976.
21. Sereno D, Lemesre JL. Use of an enzymatic micromethod to quantify amastigote stage of Leishmania amazonensis in vitro. Parasitol Res 1997; 83: 401-403.